

بخش فرهنگی، فرزند محمدرضا اصلانی می‌گوید: در مثنوی برای مولانا مسئله روایت‌پردازی نیست، بلکه آن معانی و فلسفه‌های است که می‌خواهد آن‌ها را به واسطه روایت‌ها به مخاطب منتقل کند، بنابراین متن سخت‌تر خواهد شد

بخش فرهنگی – فرزند محمدرضا اصلانی می‌گوید: در مثنوی برای مولانا مسئله روایت‌پردازی نیست، بلکه آن معانی و فلسفه‌های است که می‌خواهد آن‌ها را به واسطه روایت‌ها به مخاطب منتقل کند، بنابراین متن سخت‌تر خواهد شد و لازم است تا فلسفه پنهان در پس آن را درک کنیم تا به مفهوم درست برسیم. به گزارش خبرنگار ایلنا، آنچه از سال‌ها قبل وجود داشته و همواره مورد توجه هنرمندان و مخاطبان بوده، خوانش صوتی آثاری از مفاخر ایران است. از گذشته تاکنون برخی از شاعران مانند احمد شاملو، احمدرضا احمدی، مهدی اخوان لث، فروغ فرخزاد اقامد به دکلمه اشعارشان کرده‌اند و برخی از آن آثار نیز در نالب آلبوم منتشر شده‌اند. معمولاً موسیقی بخش جدایی‌ناپذیر چنین آثاری است. به طور مثال احمد شاملو در آلبوم‌هایش از آثار بزرگانی چون مرتضی حنانه بهره برده و با آهنگسازی چون فریدون شهبازیان و بابک بیات نیز در این زمینه همکاری داشته است.

چنین فعالیت‌هایی مختص به شاعران و نویسندگان نبوده و برخی از گویندگان، دوبلورها و بازیگران نیز به خوانش رمان‌ها و اشعاری از بزرگان ایران و جهان پرداخته‌اند. به طور مثال زنده‌یاد خسرو شکیبایی بود که علاوه بر خوانش آثار شاعران مطرحی چون فروغ فرخزاد و سهراب سپهری، با دکلمه آثار شاعران معاصری چون سیدعلی صالحی و محمدرضا عبدالملکیان به شناساندن بیشتر آنها به جامعه هنری و عموم مردم کمک کرد. در این میان آثار مفاخر و بزرگان گذشته ایران در مقایسه با آثار معاصران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. طی سال‌های اخیر نیز افراد کمی با هدف خوانش و ارائه درست به اشعار مفاخر گذشته ایران پرداخته‌اند.

امین اصلانی (نویسنده، مترجم و فیلمساز) یکی از افرادی است که همواره به ادبیات توجه ویژه داشته و نمود این تلاش و دغدغه را می‌توان در آثاری دید که در قالب آلبوم منتشر کرده است. او فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه فیلم از دانشگاه کنت انگلستان است و علاوه بر ساخت آثار مستند و داستانی و فعالیت در عرصه تدوین، آثاری را تالیف و ترجمه کرده است. اصلانی تاکنون شش دفتر از «مثنوی معنوی» اثر جوادان مولانا جلال‌دین بلخی را مورد خوانش قرار داده و آن‌ها را به صورت قانونی منتشر کرده است. وی می‌گوید برای یافتن روایات معتبر مثنوی و معنوی زمان زیادی را صرف کرده و تلاشش این بوده با درک درست مفاهیم اشعار مولانا خوانش درستی از آن‌ها داشته باشد.

امین اصلانی از جزئیات این اتفاق و اهمیت ادبیات در هنر ایران با ایلنا گفتگو کرد. در خلال گفتگو بخش‌هایی از خوانش «مثنوی معنوی» توسط اصلانی نیز قابل شنیدن است.

❖ **شما را به عنوان نویسنده، مترجم و فیلمساز می‌شناسند، کمتر کسی از فعالیت شما در عرصه گویندگی و اجرا خبر دارد و می‌دانند شش دفتر از «مثنوی معنوی» مولانا جلال الدین بلخی را خوانده‌اید و در قالب آلبوم منتشر کرده‌اید. در حال حاضر چه می‌کنید؟**

در حال حاضر دانشجوی فلسفه هستم و در مدرسه عالی فارغ‌التحصیلان اروپا در سوئیس تحصیل می‌کنم و مشغول دفاع از تز دکتری‌ام این رشته‌ام، اما فعلاً به دلیل بحران بیماری کرونا طی یک سال و نیم گذشته از راه دور آموزش می‌بینم. کرونا با وجود همه گرفتاری‌ها و مشکلاتی که برای مردم ایجاد کرده این فرصت را برام ایجاد کرد که هشت، نه ماهی را صرف «مثنوی معنوی» مولانا کنم.

❖ **کمتر کسی باخبر است که شما شاگرد منوچهر انور بوده‌اید. البته ایشان هم خیلی اهل تبلیغات و حاشیه نیست و معمولاً هم شاگرد نمی‌پذیرد.**

من حدود بیست سال پیش سه، چهار سالی شاگرد ایشان بوده‌ام و این اتفاق را جزو خوش شانسی‌های خود می‌دانم. به هر حال آقای انور واقعا استاد عرصه سخن است؛ بنابراین نیاز به معرفی ندارند. البته کلاسی که در آن حضور می‌یافتم جمعی خصوصی و ده، پانزده نفره بود. آقای انور یک بار در زندگی‌اش لطف کرد و دوستان را گردهم جمع کرد. همانطور که گفتید کمتر پیش می‌آید که ایشان شاگردانی را به حضور بپذیرند و آن کلاس نیز هفته‌ای یک بار برگزار می‌شد و به مقوله شعرخوانی و حافظ خوانی اختصاص داشت. علاوه بر اینها آقای انور که در چند اثر با پدرم محمدرضا اصلانی همکاری داشته، لطف کرده‌اند و در ده، سه فیلم از من نیز به شعرخوانی و خوانش غزلیاتی از مولانا پرداخته‌اند. این اتفاق فرصتی طلایی برای من بود تا واقعا بتوانم در خدمت ایشان آموزش ببینم به این دلیل که دانش و فرهنگ همواره از وجود ایشان در فوران است. علاوه بر اینها آقای انور با همراهی پدرم مجموعه اشعار حافظ را با صدای ایشان تولید و ارائه کردند. این مجموعه بسیار بی‌نظیر بود و خب من هم به نوعی لایله‌ای کارها حضور داشتم و شاهد اتفاقات بودم.

❖ **این اتفاق نیز به نوعی کلاس درس محسوب می‌شود.**

همینطور است. زمانی که فرد کنار آقای انور می‌نشید به هرحال و خواه ناخواه از او درس می‌گیرد. تا آن حد با دانش و فرهنگ هستند که واقعا نمی‌توان از ایشان چیزی نیاموخت. همانطور که گفتم همواره دانش و بیش از وجود ایشان فوران می‌کند. استاد انور در واقع سنتی را رقم زده‌اند و حال تقریباً پنجاه سال از این اتفاق می‌گذرد.

❖ **اما این سنت آنطور که باید مورد توجه قرار نگرفته است.**

با شما موافقم. سنت آقای انور آنطور که باید مورد توجه قرار نگرفته، چون خیلی اهل تبلیغ و سر و صدا نیستند. شاید به همین دلیل است که ایشان را کمتر از آنکه باید، می‌شناسند.

❖ **به هرحال نسل آقای منوچهر انور و پدران به لحاظ توجه به رسالت‌های هنری و اخلاقی و انسانی، با نسل‌های بعد تفاوت دارند.**

درست است. به نظرم هم نسلان آقای انور انسان‌های عجیبی هستند. چنین

هنرمندانی در عمق و اصل قضایا غور می‌کنند و به هیچ وجه دنبال حاشیه

نیستند. نسل فعلی اصل اجرا را دنبال می‌کنند و به همین دلیل است که کیفیت کارشان بسیار بالا و متفاوت است.
❖ **از حال و احوال آقای منوچهر انور مطلع هستید؟**
بله خداراشکر حالشان خوب است و سرحال و قیراح هستند. از خدا می‌خواهم



سایه ایشان را سال‌های سال بر سر ما نگاه دارد.

❖ **به نظر می‌رسد خوانش اشعار و تولید و ارائه آثار صوتی (چه رمان، داستان کوتاه و شعر) که چند سالی است مرسوم شده برای فعالان این عرصه مقوله‌ای فتننی و غیر جدی و حتی غیر تخصصی است. با توجه به این موضوع ادبیات گذشته و امروز ایران برای شما چه جایگاهی دارد؟**

من از بیست سالگی مشغول قلم زدن بوده‌ام و در زمینه تالیف و ترجمه تاکنون حدود ده کتاب چاپ کرده‌ام. در حوزه فرهنگ و فلسفه شرق نیز مطالعات بسیار داشتم‌ام و روی فلسفه مشرقی‌این سینا و مباحثی از این دست، کار کرده‌ام. فلسفه غرب نیز یکی دیگر از علائق من است و در این زمینه نیز به کسب دانش پرداخته‌ام. موضوع این است که فلسفه شرق و فلسفه غرب با هم فاصله بسیار دارند و تلاش من بوده با داشته‌ها و اندوخته‌هایم این فاصله را پر کنم.

بخشی از خوانش «مثنوی معنوی» با صدای امین اصلانی/ دفتر اول «تی‌نامه»:

❖ **حال اگر صحبت اشعار دشوار شعرابی چون مولانا به میان آید، این تخصص داشتن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا با زبان و ادبیات کهن مواجهیم.**

درست است. اتفاقاً سال ۱۳۸۶ هم برای اولین‌بار نمایشنامه «اویدیبوس» اثر سنکا را به فارسی و زبان کهن ترجمه کردم. این اتفاق فرصت مغتنمی بود که در رابطه با زبان کهن فارسی با چالشی مواجه شوم و از آن برآیم. البته من در خانواده‌ای فرهنگی رشد کرده‌ام. آن‌هایی که پدرم را می‌شناسند، می‌دانند تا چه حد نسبت به مقوله ادبیات و هنر حساس و سخت‌گیر است. او از ما می‌خواست برایش تذکره‌اوالا، مثنوی معنوی و دیگر آثار ادبی ایران را بخوانیم، و خب این رویه سه‌سال‌ها ادامه داشت. از طرفی پدر بزرگم نیز شاهنامه می‌خواند و من نیز با او همراهی می‌کردم. می‌خواهم بگویم ادبیات خواه ناخواه بخشی از زندگی من و خانواده‌ام بوده است.

❖ **با این حساب شما در وهله اول شاگرد استاد محمدرضا اصلانی بوده‌اید.**

دقیقا همینطور است و غیر از این نیست. اینکه شاگرد پدر بوده‌ام همیشه برابم مایه افتخار و مباهات است. به هرحال ایشان شاعر است و واقعا در عرصه سخن کار کرده. پدرم علاوه بر زبان و مشی خاص خود، بر ادبیات کهن ایران اشراف بسیار دارد. واقعا هم در عصر حاضر، نمی‌توان بدون وصل بودن به دریای عظیم و عمیق ادبیات و تفکر و اندیشه پیشه پدر در پس آن، شعر گفت و شاعری کرد. اگر غیر از این باشد واقعا باورپذیر نیست و چنین شاعری هم اصطلاحاً پذیرفتنی نیست و نمی‌توان او را به رسمیت شناخت.

❖ **البته اینکه گسست شدیدی از سوی شاعران و نویسندگان امروز میان ادبیات کهن و معاصر ایجاد شده موضوعی جدی است که پرداختن به آن مجال بیشتری را می‌طلبد. مطمئناً تمرکز بر ادبیات کهن ایران و مفاهیم آن، بر نوع خوانش صحیح اشعار مولانا تأثیر بسیار داشته است.**

با اینکه استاد منوچهر انور سنت خوانش درست را بنا گذاشته و کمتر کسی هم به این مسیر وارد شده، اما کلیشه خوانش‌های غلط برای ما به نوعی عادت تبدیل شده است. به کار گرفتن احساسات بیش از حد لازم در خواندن اشعار موضوع دیگری است که باعث می‌شود معنا و مفهوم، پشت صورت متظاهرانه طرز خوانش درست پنهان شود. به طور واضح‌تر باید گفت، این احساس‌گرایی وافر باعث می‌شود معنا و مفهوم اشعار و متون از دست برود.

❖ **نظر استاد منوچهر انور درباره موضوعات مذکور چیست؟**

آقای انور همیشه بر مولفه‌ها و موضوعاتی که گفتم تأکید داشتند. ایشان می‌گفت معنا با تکیه‌های درستی که جملات، ابیات و مصرع‌ها آن‌ها را تعیین می‌کنند، بروز می‌یابد و توجه به آن باعث می‌شود فرد حین خواندن به بیراهه و دوبلاژ هم قرار و آرام نداشت.

بابک درباره علاقه‌مندی خسرو شکیبایی به دوبله می‌گوید:
❖ **بابک در همه گویندگان حنجره طلائی و در آن دوره که دوبله ایران در اوج بود، راهبانی به این حوزه آسان نبود. اینها به کنار، به خسرو ایراد گرفته بودند که «سین» و «شین»‌اش می‌زد و این یک نقطه ضعف بود ولی خسرو با هوشمندی تمام همین ویژگی را به نفع نقش، رنگ‌آمیزی شخصیت و زیبایی کلام و گفتارش به کار بست. بیان او با همین ویژگی شیرین شده بود. او چنین کارهایی**

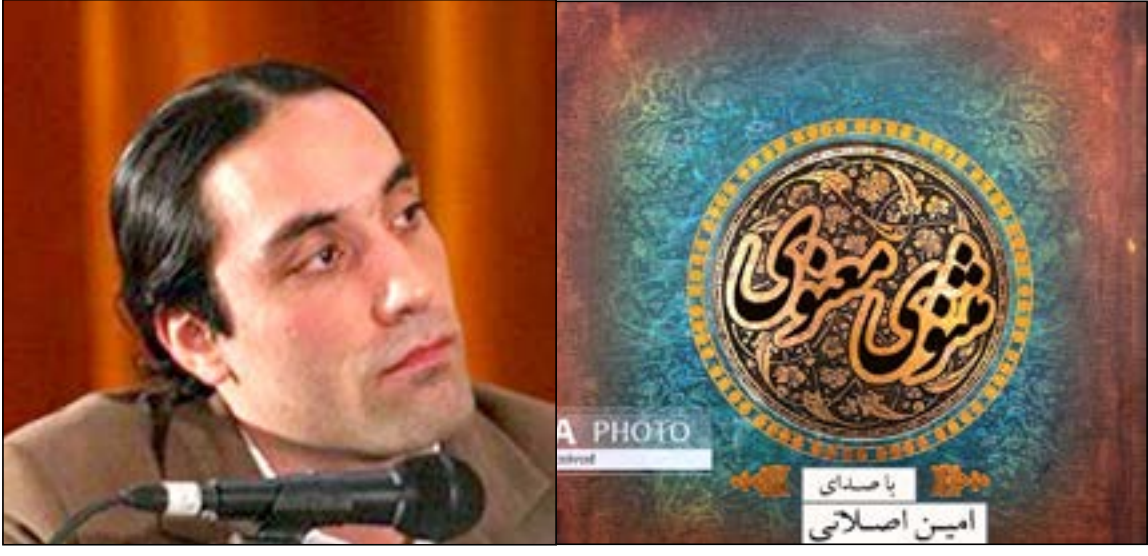
{فرهنگ و هنر }

امین اصلانی (نویسنده، مترجم و فیلمساز) مطرح کرد:

مولانا گاه از عرفان و فلسفه فراتر رفته است

نرود.
❖ **به نظر بسیاری از اساتید و اهالی ادبیات اشعار مولانا در دسته آثاری قرار می‌گیرند که درک و فهم آن‌ها دشوار است. از این دشواری‌ها بگویید و اینکه چگونه بر آن‌ها فائق آمدید؟**

واقعیت این است که اصلا نمی‌توانیم بدون تحقیق، پژوهش و مطالعه دقیق و



گسترده و مستمر بر مفاهیم اشعار مولانا اشراف یابیم. در این زمینه از دانش پدر استفاده کردم و بهره بسیار بردم. آنچه از منوچهر انور آموخته بودم نیز به کار گرفتم.

❖ **یکی دیگر از موضوعات مهم، تعدد روایت‌ها و برداشت‌های مختلف از آثار مولانا است. در این زمینه برای انتخاب درست‌تر چه روندی را پیمودید؟**

به طور شبانه روزی تقریباً پنج، شش نسخه را صفحه به صفحه و خط به خط مورد تحلیل و مقایسه قرار دادم و درباره آن‌ها بحث و تعامل کردیم تا تکیه‌های درست را ببینیم و به معانی درست‌تر برسیم. یافتن خط و ربط نحوی و معنایی ابیات موضوع مهمی بود که باید به آن می‌پرداختیم و این اتفاق افتاد و زمان زیادی را هم از ما گرفت. به هرحال آثار مولانا منلق و پیچیده است و خوانش و درک مفاهیم آن آسان نیست.

❖ **البته نوع و قالب اشعار هم بر دشواری درک آن‌ها تأثیر دارد.**

همینطور است و این تفاوتی که می‌گویید در مقایسه غزل‌ها و مثنوی‌ها قابل درک است. معمولاً غزل ده، دوازده بیت است و مفهومی مشخص و کامل دارد. اما داستان‌های مثنوی مولانا گاه به سیزد بیت و حتی پانصد

بیت می‌رسد که این کثرت کار مخاطب را برای خوانش و درک مفاهیم دشوار می‌کند. تداوم، پیوستگی و ارتباط معنایی مولفه‌های مهم در اشعار مولانا هستند و باید مورد توجه قرار گیرند. به طور مثال مولانا در ابتدای فلان مثنوی‌اش به موضوعی اشاره می‌کند و در بیت سیزدم بازم به آن برمی‌گردد. این مسئله بسیار مهم است و اگر آن ارتباط معنایی درست نباشد، مفهوم از دست خواهد رفت.

❖ **از طرفی با افزایش ابیات یک اثر بار دراماتیک آن نیز جدی‌تر و پر رنگ‌تر خواهد شد.**

دقیقا. در مثنوی برای مولانا مسئله روایت‌پردازی نیست، بلکه آن معانی و فلسفه‌ای است که می‌خواهد آن‌ها را به واسطه روایت‌ها به مخاطب منتقل کند، بنابراین متن سخت‌تر خواهد شد و لازم است تا فلسفه پنهان در پس آن را درک کنیم تا به مفهوم درست برسیم.

❖ **آیا می‌توان گفت فلسفه مولانا همان عرفانی است که در شخصیت فردی و آتارش موج می‌زند؟**

واقعا نمی‌خواهم دسته‌بندی کنم. درست است که ما عرفانی ایرانی داریم که همه ادبیات عرفانی ما را زیر چتر خودش قرار می‌دهد، اما به نظر من عرفان مولانا با عرفان دیگر عرفای ما متفاوت است. مثلاً اینکه عرفان مولانا با عرفان منصور حلاج، عین القضات همدانی یا حافظ تفاوت دارد. من معتقدم مولانا گاه از عرفان و فلسفه فراتر می‌رود. مفاهیمی پشت کلام مولاناست که به راحتی قابل درک نیست و به طور مستقیم هم در عرفان نمی‌گنجد.

بخشی دیگر از دفتر اول «تی‌نامه» با صدای امین اصلانی/ یادشاه بر کنیزک رنجور:

❖ **اینکه در رابطه با مفاهیم اشعار مولانا خط کشی نکرده‌اید و آن‌ها را صرفاً از منظر عرفانی و فلسفی معنا نمی‌کنید، اتفاق خوبی است. به هرحال خاصیت شعر این است که هر مخاطب با نگرش و جهان بینی خودش آنرا درمی‌یابد و اجازه دارد برداشت خودش را داشته باشد.**

درست است. به نظرم فردی که به خوانش شعر می‌پردازد باید اجازه دهد معنی جلوه کند. اگر در انتخاب و بیان تکیه‌ها یا تأکیدها اشتباه نکنیم و خوانش دقیق و درستی داشته باشیم، بدون اظهار وجود و جلب توجه می‌توانیم، شنونده را به درک درستی از اشعار برسانیم و مسئله مهم هم همین است. یعنی اگر گوینده برای جلوه یافتن بهتر معانی تا جای ممکن خودش را حذف کند بهتر است، و مهم‌ترین نکته هم همین است. گوینده باید خودش را حذف کند تا نویسنده

برای سالروز درگذشت بازیگر خاطره‌ساز

وقتی «سین» و «شین» نقطه قوت خسرو شکیبایی شد

انجام می‌داد.
❖ **رضا بابک درباره ورود شکیبایی به سینما نیز چنین می‌گوید: «من و خسرو**



صحبت کرده‌اند و می‌دانم قبل از من به تو گفته بودند. باید به تو خبر می‌دادم و از تو اجازه می‌گرفتم.» او این اندازه با معرفت بود. اما حالا به راحتی زیراب همکاران خود را می‌زنند و برای اینکه خودشان یا دوستانشان در پروژه‌های بازی کنند، برای بازیگری که در گروه‌شان نیست چنان حاشیه‌سازی می‌کنند که از کار کنار گذاشته شود. ولی آن دوره ارتباط‌ها سالم و صمیمانه بود.»

«آن روز هم من و خسرو صحبت کردیم و او در فیلم «شکار» بازی کرد، کار

سه شنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۰

مجید جوانمرد که فیلم خوبی هم از در آیدم. پرویز پورستویی دیگر بازیگر این فیلم بود که در تئاتر عضو گروه «کوچ» بهزاد فراهانی بود.

خسرو بعد از ورود به سینما بیشتر در این عرصه فعالیت کرد. نقش‌های درخشان زیادی به او سپرده شد و خسرو هم واقعا خوب بود. می‌دانست چگونه نقش را رنگ‌آمیزی کند، از کلام، حرکات بدن و اشیاء کمک می‌گرفت تا نقش را هر چه بیشتر دیدنی کند. او خیلی تلاش کرد تا به جایگاهی شایسته در هنر ما دست پیدا کند و تلاشش هم به خوبی به ثمر نشست.»

بابک در جستجوی خسرو شکیبایی در سال‌های دور به یاد دیگر هم‌قطاران خود نیز می‌افتد و می‌گوید: شما از من خواسته‌اید درباره خسرو صحبت کنیم ولی ناخودآگاه به یاد پرویز هم افتاده‌ام؛ پرویز فنی‌زاده که او هم بازیگر درخشانی بود. ما بازیگران خوب زیادی داشته‌ایم و داریم، سعید پورصمیمی، اکبر زنجانی‌پور، ایرج راد و … بسیاری دیگر که حافظه‌های باری نمی‌کند تا در لحظه نام‌شان را بگویم. خوشحالم که در نسل جدید هم بازیگران درخشان بسیاری داریم که خیلی رو به جلو هستند ولی همیشه افسوسم این است که چرا در هنر ما نقش‌هایی مانند نقش آنتونی هاپکینز در فیلم «پدر» نوشته نمی‌شود. بازیگران ما می‌توانند چنین نقش‌هایی بازی کنند و ای کاش این فرصت به آنان داده شود.»
❖ **به گزارش ایسنا، خسرو شکیبایی زاده هفتم فروردین سال ۱۳۲۳ در تهران بود که در ۱۹ سالگی برای اولین بار روی صحنه تئاتر رفت و بعدتر به عضویت گروه هنر ملی به سرپرستی عباس جوانمرد درآمد. او در نمایش‌هایی همچون «سنگ و سرناب»، «شب بیست و یکم»، «بیا تا گل برفراشانیم»، «شاهزاده و گدا» و … بازی کرد.**

❖ **نقش‌آفرینی او در فیلم‌هایی همانند «هامون»، «پری»، «سارا»، «یک بار برای همیشه»، «درد مشترک»، «کیمیا»، «تئوپوس شب» و … نیز مجموعه‌های تلویزیونی «روزی روزگاری»، «خانه سبز»، «وکالی جوان»، «مدرس»، «کوچک جنگلی»، «کاکتوس» و … برای تماشاگران سینما و تلویزیون خاطره‌انگیز است.**

❖ **پس کلی زمان صرف این موضوع شده است.
بله دقیقاً. اتفاقاً پروسه تحقیق نسبت به خواندن آثار زمان بیشتری از ما گرفت.**

❖ **به هر حال روایت‌های مختلفی درباره اشعار مولانا وجود دارد و بسیار مهم است که معتبر ترین و درست‌ترین را انتخاب کنید.**

همینطور است. موضوع دیگری که در رابطه با مثنوی معنوی وجود دارد این است که هیچ بیتی را نمی‌توان سراغ داشت که محل ارجاع یا مرجعی نداشته باشد. یعنی اگر مثلاً در نسخه نیکلسون بیتی جایجا باشد، فرضاً در نسخه گریبنانی یا نسخه قوتوی جایش به طور مشخص تعیین شده است. به این نتیجه رسیدیم که اگر اختلافی هست شاید به این دلیل است که مثلاً نیکلسون اشتباهاتی کرده است. البته نیکلسون به عنوان کسی که زبان اصلی اثر انگلیسی است و فارسی زبان دومش است در خوانش‌هایش از متن، به شدت دقیق

عمل کرده است. طی تحقیقات گاه به ترجمه‌های انگلیسی نگاه می‌کردم و برخی مواقع در رابطه با معانی فارسی از روی متن انگلیسی به عمق معنای آن می‌رسیدم، اینگونه است که می‌توانیم به زحمت بسیار و دقت و جزئی‌نگری نیکلسون پی ببریم. واقعا زحماتی که نیکلسون کشیده بسیار با اهمیت است.
❖ **یکی از مقولات مهم در ارائه اشعار صوتی موسیقی است. معمولاً زمانی که بحث اجرای اشعار و دکلمه آثار ادبی در قالب آلبوم مطرح می‌شود، سازندگان در همان ابتدا به سراغ ساخت یا انتخاب موسیقی می‌روند تا به این وسیله بخش زیادی از اثر را اینگونه پر کنیم. در خوانش و ارائه دفاتر مثنوی معنوی، موسیقی تا چه حد برایتان اهمیت داشته‌است؟**

کلاً مجموعه مثنوی معنوی را به همت آقای علی شهرآشوب ضبط کردیم. ایشان موسیقی‌دان است و گیتار نیز می‌نوازد. کل مجموعه توسط ایشان ضبط شده است. مجموعه حافظ استاد منوچهر انور را نیز ایشان ضبط کرده است. ایشان بسیار دقیق و با وسواس است و طی صحبت‌هایی که داشتیم به این نتیجه رسیدیم تا جای ممکن از موسیقی استفاده نکنیم، لذا صرفاً در جدا کردن فصل‌ها و روایت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.بر اساس این منطق که احساس شخص گوینده نباید وارد اثر شود، مقوله موسیقی هم احساسات مضاعفی را به شنونده تحمیل می‌کند. ما طی صحبت‌ها و تعاملات به این نتیجه رسیدیم که این تحمیل صورت نگیرد. اگر مخاطب اهل ادب و جستجوگر باشد، برایش مهم خواهد بود که مستقیماً به متن متصل شود. در خوانش مثنوی تالانم این بوده کلمات که درستی بیان شوند و طوری عمل کرده‌ام که رشته کلام از دست شنونده در نرود. ولی به نظرم شنونده‌ها باید کتاب را هم مقابلشان بگذارند و خط به خط پیش روند تا در متن غرق شوند و مفاهیم را بهتر و درست‌تر دریابند. مخاطب باید به معنا و درام قضیه پی ببرد و اگر بخواهیم اتفاقات دراماتیک را از بیرون به او تحمیل کنیم، نقض صورت گرفته‌ایم.

❖ **وجه مالی تا چه حد برایتان اهمیت داشته است؟**

خوشبختانه واقعا در این بخش هیچ کاره بوده‌ام و مقوله مالی و بعد بیزینسی پروژه به من ارتباطی نداشته است. انتشاراتی که با من همکاری کرد امور اجرایی را انجام داده است. در این میان من همواره نسبت به خوانش و معرفی متون کهنی که مخاطب امروز اصلا سراغی از آنها نمی‌گیرد، احساس دین کرده‌ام می‌کنم. و به نظرم رویه خودشان آثار ادبی و ارائه آنها در قالب آلبوم هیچ پایدی ندارد. به نظرم باید حداقل از هر متن ده پانزده خوانش مختلف وجود داشته باشد تا هر کس خودش به انتخاب بپردازد. ممکن است به نظر فردی یک بیت از سی و سه هزار بیت خولش درست‌تری داشته باشد. ما نیز تصمیم گرفتیم مثنوی را در قالب مجموعه‌هایی جداگانه و سری بندی شده منتشر کنیم.

❖ **از فعالیت‌های نوشتاری و اجرایی جدیدتان بگویید.**

حدود دو ماه پیش کتابی را از هانس گنورک گادامر ترجمه کردم که «دیالوگ و دیالکتیک» نام دارد. این کتاب شامل هشت پژوهش هرنوتیک گادامر درباره افلاطون است. این اثر چند سال پیش ترجمه شده بود اما انتشار آن به دلایلی دچار تعویق شده بود که مدتی قبل توسط نشر «قره» آن را به چاپ رساند و تازه روانه بازار شده است. این آخرین اثر چاپ شده من است که پروژه‌ای سنگین بود پنج، شش سالی زمان صرفش کردم.